



کانون مهدویت
دانشگاه فرهنگیان



فصلنامه فرهنگی اجتماعی مسیر موعود

فصلنامه فرهنگی اجتماعی مسیر موعود
دانشگاه فرهنگیان مرکز شهید مطهری شیراز

شماره دوم، اسفند ۱۴۰۴ + پادپخش صوتی



در این شماره می خوانیم:

معرفت افزایی نسبت به امام

منجی در آیین ها، ادیان و کتب آسمانی

امام حاضر غایب؛ از شناخت تا انتظار



گفتارهایی در امام شناسی

امام و دانش‌های ویژه؛

از اسم اعظم تا تدبیر جهان

مروری بر گستره بیکران علوم ائمه (ع) در حوزه‌های دین، اجتماع، کیهان و علم به امور پنهان و آشکار



استاد محمدتقی یارمحمدیان

استاد رشته امام‌شناسی، عضو انجمن علمی امامت حوزه



علی ربیعی

دانش پژوه سطح ۴ رشته کلام اسلامی با گرایش امام‌شناسی

امامان که جانشینان پیامبر اکرم هستند، همچون ایشان دارای مقامات و صفاتی منحصر به فرد مانند افضلیت، عصمت و قدرت بر انجام کارهای خارق‌العاده هستند. از مهمترین صفات امام، علم ویژه است. مقصود از این علم، علمی است که امام از جانب خداوند متعال به طور مخصوص دریافت می‌کند. برخی اندیشمندان این علوم را «علم غیب» یا «علم لدنی» نیز نامیده‌اند. این علوم از گستره بیکرانی برخوردار است که به نظر می‌توان همه آنها را در چند حوزه کلی: دین، اداره امور جامعه بشری و کیهانی و علم به جهان آفرینش طبقه‌بندی کرد.

از آنجا که امام دارای جایگاه حفظ و تبیین شریعت است به تمامی معارف دین آگاهی دارد. دایره معارف دین بسیار وسیع است؛ از جمله علم به اسماء و صفات الهی به ویژه اسم اعظم خداوند، اسرار و حکمت‌های افعال الهی، جهان آخرت، اخلاق و معنویت، احکام شرعی، سخن و سیره نبوی، تفسیر و اسرار قرآن، و همه آنچه در قرآن بدان اشاره شده

مانند اخبار گذشتگان و آیندگان، و عوالم گوناگون و جهان آفرینش، امام به خاطر مسئولیت حفظ دین از تحریف و انحراف، به همه نقاط ضعف و آسیب‌اشراف کامل دارد و از پاسخ شبهات و ابهامات در حوزه دین آگاه است. در مجموع امام که حجت خداوند است، در پاسخ به هیچ پرسشی در نمی‌ماند و به سرتاسر موضوعاتی که به گونه‌ای با «دین» ارتباط پیدا می‌کند، بدون هیچگونه استثنا آگاهی و اطلاع کامل دارد.^۱ این آگاهی از جنس علوم عالمان دینی نیست؛ بلکه دقیقاً از واقعیت و حقیقت دین خدا آگاه است نه اینکه از روی اجتهاد و ظنون به این علوم دست پیدا کرده باشد.

از دیدگاه آموزه‌های دینی، بخش دیگری از علوم امام، علمی است که برای مدیریت جامعه انسانی و نیز اجرای اراده الهی در ربوبیت جهان هستی، به امام ارزانی می‌شود. مانند علم به امور پنهان، علم به نظم اجتماعی، امنیت داخلی و خارجی و توطئه دشمنان و نقشه بدخواهان و منافقان، علم به بازار اقتصاد و معیشت و نیازهای مردم

از مهم‌ترین مصادیق دانش ویژه امام، «علم غیب» است.

علم غیب در پاره‌ای از آیات قرآن تنها به خداوند اختصاص داده شده ولی در برخی آیات، به انسان‌های برگزیده خداوند نیز نسبت داده

با مراجعه به روایات اهل بیت، با موارد متعددی از دانش‌های ویژه امام روبرو هستیم که دلالت بر گستردگی بی‌کران علم امام می‌کنند و تنها آن بخش از علم که مخلوقات امکان دسترسی به آن را ندارند، برای امام نفی شده است؛ مانند اطلاع بر ذات خداوند که از نظر عقل، دستیابی به آن محال است یا علمی که خداوند اظهار نفرموده که از آن به علم «مکفوف» یا «مکتون» تعبیر شده است یا علم مخصوص خداوند که علم «مُستأثر» نام دارد. **ائمه اطهار، نگهبانان علم الهی و معدن علم خداوند هستند** که همواره علم خود را از سرچشمه علم خداوند متعال دریافت می‌کنند و به فراخور حوزه مسئولیت خود،^۴ از عرش تا فرش بر همه مخلوقات خداوند اشراف کامل دارند.

● منابع

- قرآن کریم
- صفار، محمدبن‌حسن، بصائرالدرجات، چاپ دوم، مکتبه آیه‌الله‌مرعشی‌نجفی، قم، ۱۴۰۴ق
- کلینی، محمدبن‌یعقوب، الکافی، چاپ پنجم، دارالکتب‌الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۳ش

تنها به این خاطر که بینندگان و شنوندگان توجه به آن ندارند یا تنها از دیدگان پنهان است یا از سرگذشت پیشینیان خبر می‌دهد و یا تنها روش بدست آوری آن خارق‌العاده است، «غیب» گفته شده است؛^۳ در همین حال به غیب مطلق الهی نیز که قابل قیاس با این موارد نیست و اساساً امکان دسترسی به آن وجود ندارد، غیب گفته می‌شود. از این رو در مواردی که از پیامبران و امامان، علم غیب نفی شده، بر معنای علم غیب مطلق و ذاتی خداوند حمل می‌شوند. از سوی دیگر غیب مفهومی نسبی است؛ ممکن است چیزی برای کسی غیب باشد و در همان ساعت برای دیگری غیب نباشد. **شاید بتوان گفت همه علوم امام به نوعی غیب است؛** چرا که در هر حال یا خود معلوم برای دیگران غیب است یا منابع آن غیبی است و یا حداقل شیوه به دست‌آوری آن غیبی است. از طرفی علمی حتی برای امام نیز غیب است و در همان حال آن علوم برای خداوند غیب نیست.

بر همین اساس ائمه اطهار نیز در برخی روایات علم غیب را از امام نفی کرده و آن را به خداوند اختصاص داده‌اند که منظور همان علم غیب مطلق و ذاتی مختص پروردگار عالمیان است. علاوه بر اینکه این رویکرد، به منظور مبارزه با اندیشه‌های غالیانه در معرفت امام و نیز در برخی موارد به خاطر تقیه بوده است.

در نتیجه می‌توان گفت امام

نسبت به سایر انسان‌ها دارای علم غیب است و از امور پنهان بر انسانها اطلاع دارد و در همین حال می‌توان گفت امام نسب به علم غیب مطلق خداوند، فاقد جزئی‌بسیار ساده، همچنین باید توجه داشت که از سویی واژه «غیب» در کاربردهای قرآنی آن و همینطور در روایات، دارای معانی متفاوت است. گاهی در آیات و روایات به یک امر جزئی‌بسیار ساده،

شده است. با تحلیل معنای «غیب» و جمع بین آیات، باید گفت: بله! علم غیب مطلق و با لذات تنها و تنها اختصاص به خداوند دارد با این حال خداوند این اختیار و توانایی را دارد که برخی از علوم غیبی را در اختیار پیامبران و امامان قرار دهد. قرآن در این باره می‌فرماید: بنای خدا بر آن نیست که شما را از غیب آگاه گرداند، ولی خدا از میان فرستادگانش هر که را بخواهد برمی‌گزیند. پس، به خدا و پیامبرانش ایمان بیاورید؛ و نیز می‌فرماید: خداوند عالم به غیب است، و کسی را بر غیب خود آگاه نمی‌کند، جز فرستاده‌ای که او را انتخاب کرده باشد.^۲

۱. شبر، عبدالله، حق‌الیقین، ۱۱۲/۱.
۲. صفار، بصائرالدرجات، ۳۳۷.
۳. صفار، بصائرالدرجات، ۴۵۱ تا ۴۵۵؛ کلینی، اصول‌کافی، ج ۱، ۱۲۹، ۱۳۰ و ۲۵۴.
۴. صفار، محمدبن‌حسن، بصائرالدرجات، ۱۳۶، ۱۳۲ تا ۱۵۰؛ کلینی، محمدبن‌یعقوب، اصول‌کافی، ۶۲۱ تا ۶۴ و ۱۶۹.